



Analysis of the Content Structure of Senornamehs (Formation, Evolution and Functions)

Seyed Mahmoud Sadat 

Assistant Professor of Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution. Executive Secretary of the Quarterly Treasures of the National Archives of Iran. E-mail: m.sadat@yahoo.com

Farhad Nam-Bradarshad 

*Corresponding author, Ph.D. in Revolutionary History. Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. Document review expert of National Library and Records Organization of Iran. E-mail: farhad.1363@gmail.com

Abstract

Objective: After the Chaldaran war, the Safavid government accepted the treaty (Amasiyah, 962 AH) with the Ottomans, in which the details of the boundaries and gaps were not accepted by the parties, and this became the basis of many future conflicts. In the agreement between Safavid Shah Abbas and Ottoman Sultan Murad III, the basis for the formation of documents called Senornameh, which was a kind of agreement on borders, was formed. The purpose of this research is the structural analysis and content analysis of this type of documents.

Methodology: This research deals with the structure of senornamehs with a descriptive and analytical method based on the available senornamehs documents and the text of some manuscripts and library sources.

Findings: The senornamehs state what historical awareness there was of the regional conflicts of the ruling families and the tribes living in these western borders, and also more and more concrete details of the borders. They present the territory of Iran and Ottoman. These border treaties were greatly expanded in terms of their terms, provisions and functions. Based on the findings of this study, the Senornamehs gradually changed from a border security agreement to an open compromise. The border maps depict the history of the formation of the border and its developments - especially in the western borders of Iran - as well as the role and presence of the border tribes in these border treaties.

Conclusion: Documentary studies of senornamehs is a two-way contribution to the history of Iran's border conflicts in order to open a new window of sources and references for future research and a contribution to the science of document recognition in order to make the historical data of documents more tangible. And it is considered desirable and functional to present them. The wars between Iran and Ottoman countries and the nationwide campaigns and hostilities of these two

governments did not only create and continue the use of such treaties and regulations, but with the importance of finding these agreements, the regulations in the period Later, it was proposed as an open-minded compromise and as a regulator of communications in the borders and became an official supervisor of the communications of the border tribes, which helps to facilitate trade and commerce regulations in the region. Such demarcation gradually created a new kind of political affiliation and identity by locating the territory of the government and the domination of the ruling systems. Finally, the Senornamehs, which were initially created for the role of political and security separation, took on the role of unifying the culture and identity of the ethnic groups, and later became a kind of political and cultural homogenizer of individuals.

Keywords: Senornameh, Documentary, Safavid, Ottomans, Sarhadat (borders)

Article type: Research

How to cite:

Sadat, S. M., & Nam-Bradardshad, F. (2023). Analysis of the Content Structure of Senornamehs (Formation, Evolution and Functions). *Library and Information Sciences*, 26(2), 133-155.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 20/02/2023

Received in revised form: 15/03/2023

Accepted: 09/04/2023

Available online: 21/10/2023


Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi

Library and Information Sciences, 2023, Vol. 26, No. 2, pp. 133-155.


© The author(s)



تحلیل ساختار محتوایی سنورنامه‌ها (شکل‌گیری، تکامل و کارکردها)

سید محمود سادات 

استادیار هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، دبیر اجرایی فصلنامه گنجینه آرشیو ملی ایران. رایانامه: m.sadat@yahoo.com

فرهاد نام‌برادر شاد 

*نویسنده مسئول، دکتری تاریخ انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، کارشناس بررسی اسناد و مدارک سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. رایانامه: farhad.1363@gmail.com

چکیده

هدف: حکومت صفوی پس از جنگ چالدران، صلح (آماسیه، ۹۶۲ق) با عثمانی‌ها را پذیرفت که در مفاد آن جزئیات حدود و ثغور مورد پذیرش طرفین نرسیده بود و همین پایه منازعات آتی گردید. در توافقی که میان شاه‌عباس صفوی و سلطان مراد سوم صورت پذیرفت، زمینه شکل‌گیری اسنادی به نام سنورنامه که نوعی توافق و بر تعیین سرحدات بود شکل گرفت. هدف این پژوهش ساختارشناسی و تحلیل محتوایی این نوع اسناد است.

روش و رویکرد پژوهش: این پژوهش، با روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه سنورنامه‌های در دسترس و متن برخی که در نسخ خطی و منابع کتابخانه‌ای مکتوب است به ساختارشناسی این دست از اسناد می‌پردازد.

یافته‌ها: سنورنامه‌ها بیان می‌کنند چه آگاهی تاریخی نسبت به تعارضات منطقه‌ای بین خاندان‌های حکومت‌گر و اقوام ساکن در سرحدات غربی وجود داشته و همچنین جزئیات بیشتر و ملموس‌تری از حدود قلمرو دو کشور ایران و عثمانی را ارائه می‌کنند. این معاهدات مرزی به فراخور شرایط، مفاد و کارکرد آن‌ها گسترش زیادی یافت.

نتیجه‌گیری: سنورنامه‌ها، اسناد دیپلماسی مسالمت‌آمیز سیاسی و نظامی در راستای جلوگیری از یک درگیری یا در خاتمه یک نزاع قومی تهیه شده‌اند و در آن‌ها بر روی حدودی معین مصالحه صورت می‌گرفت. بر پایه یافته‌های این مطالعه، سنورنامه‌ها به تدریج از یک توافق‌نامه امنیتی سرحدی، به مصالحه‌های سرگشاده و تنظیم‌گر روابط مذهبی دو کشور و اقوام سرحدی و همچنین ناظر ارتباطات عشایر گردید.

کلیدواژه‌ها: سنورنامه، سندشناسی، صفویه، عثمانی‌ها، سرحدات

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

سادات، سید محمود؛ نام‌برادر شاد، فرهاد (۱۴۰۲). تحلیل ساختار محتوایی سنورنامه‌ها (شکل‌گیری، تکامل و کارکردها). *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۶(۲)، ۱۳۳-۱۵۵.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۷/۲۹
ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۲، دوره ۲۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۲، صص. ۱۳۳-۱۵۵.

© نویسندگان



مقدمه

نیازهای طبیعی بشر به منابع موجود در محیط اطراف باعث شده تا انسان از آغاز تشکیل قومیت‌ها و زندگی گروهی، محدوده معینی را برای خود مشخص کند و در مقابل از بهره‌برداری، نفوذ و دخالت سایر افراد جلوگیری و در صورت لزوم، به طور دسته‌جمعی از حریم خود دفاع نماید. این امر، موجب پیدایش حدودی میان گروه‌های گوناگون انسانی شده است. مرز، تنها به پدیداری مشخص، مرئی و فیزیکی که یک کشور مستقل و حاکم را از دیگری جدا می‌سازد، نیست؛ مرزهای فرهنگی نیز وجود دارند که جداکننده «خودی» از «دیگری» هستند و مفهومی که مسائل داخلی را از بین‌المللی، نظم را از بی‌نظمی و جهانی را از انحصار متمایز می‌سازند. بر این اساس، می‌توان گفت فضایی که با نام حد و حدود، سرحد یا مرز شناخته می‌شود، نماینده و نشان‌گر مفهوم خطی در فضا است که برای جدا کردن مفهوم «ما» از «آن‌ها» ترسیم شده‌اند. سرحدات ایجاد شده و محصوریتی که در قالب قلمرو ایجاد می‌کند، موجب هویت آن می‌شود و اگر این محصوریت از میان برود، با قرار گرفتن در فضایی بزرگ و چند رنگ هویتش را از دست می‌دهد (حاتمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۳۱)؛ شاید بتوان ماهیت ایجاد حریم و انحصار به وسیله انسان‌ها را به دو دسته از علل فردی و جمعی تقسیم کرد. تفاوت ذاتی انسان‌ها با یکدیگر و نیز تفاوت در ارزش‌ها مثل چندگونگی در فرهنگ، باورها و حقوق شهروندی و البته تأمین امنیت از علل فردی ایجاد مرز هستند و از علل جمعی می‌توان به تفکیک در منافع، در حاکمیت، در محدوده سرزمینی و اعمال قدرت آن اشاره کرد.

حکومت‌های ایرانی تا پیش از تأسیس سلسله صفویه با اصطلاح مرز به مفهوم بین‌المللی آن آشنا نبودند. سرزمینی با حدود و ثغور مشخص از ویژگی کشورهای قرون اخیر است که ایران صفوی کم و بیش این ویژگی را داشت. اگرچه قلمرو سرزمینی و جغرافیای سیاسی ایران در عصر صفوی به محدوده جغرافیای فرهنگی آن نرسید؛ اما صفویه تلاش‌های معدودی در راستای تحقق این مهم انجام داد. مسئله ایلات ساکن سرحدات غربی و علاقه سیاسی ایران و عثمانی به این مناطق و نیروهای جنگنده آن از موارد اختلاف دائمی دو کشور بود. شدت و ضعف این اختلافات و تجاوزات به قدرت و ضعف حکومت مرکزی، نحوه اجرای مقررات و تعیین تکلیف منطقه جغرافیایی زندگی ایلات و حوزه بیلاق و قشلاق ایشان بستگی داشت (کاووسی عراقی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۵-۱۲۰). آئین سرحداری حکومت‌های پیشین در قلمرو ایران کنونی، در عصر صفویان به آئین مرزداری تبدیل و مرزداری به وجود آمد، مانند مرزداری بحرین کرانه‌ای (حسا و مجمع‌الجزایر بحرین) (مجتهدزاده، ۱۳۸۸، ص. ۶۷).

سینور (sinur) (دانشگر، ۱۳۸۱، ص. ۴۱۸) یا **سُنور** به معنای مرز، حد و ناحیه مرزی بوده و با شکل **(se(o)nur)** به معنای ماوراء و آن سو (معین، ۱۳۸۲: ذیل واژه) ذکر گردیده است. همچنین برخی معتقدند که سینور/سنور دخیل از واژه یونانی (synoron) است که در ترکی استانبولی لفظ اصلی برای مرز است

(روزنامه‌چه ملاقات کماندان لنکران، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۲) و سنورنامه‌چه قراردادی که بین سران کشورها یا اقوام و طوایف بسته می‌شده است (همان، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۲؛ انوری، ۱۳۸۱، ذیل واژه). همچنان که اصطلاح سنوردژ به معنی سرحد و فاصله دو ولایت که ریشه آن ترکی است (رامپوری، ذیل واژه). سد و سنورنامه نیز در اسناد آمده که مفهومی مشابه با سنوردژ و سنورنامه دارد و حاکی از ایجاد سرحد و نشان از حدود املاک و تیول اقوام دارد. در این دوره منابع و اسناد فارسی این نوع از اسناد را «سنورنامه» و در منابع ترکی «صورت مصالحه» می‌خوانند. سنورنامه‌ها، تاریخچه شکل‌گیری مرز و تحولات آن - به خصوص در مرزهای غربی ایران - و نیز نقش و حضور اقوام مرزی را در این معاهدات مرزی را به تصویر می‌کشند. سندشناسی سنورنامه‌ها، کمکی دو سویه به تاریخ تعارضات در سرحدات غرب ایران است؛ چرا که از یک‌سو تحلیل و دریچه‌ای نواز منابع و مراجع به روی محققین این حوزه باز می‌کند و از سوی دیگر، با ملموس‌تر کردن داده‌های تاریخی اسناد، ارائه مطلوب و کارکردی کردن آن‌ها، به علم شناخت اسناد یاری می‌رساند. در حقیقت، مطالعاتی از این دست، در مرز دو دانش سندشناسی و تاریخ سیر می‌کنند و رهاوردش به دلیل استفاده از شیوه‌های تحقیقی دو دانش می‌تواند به نزدیکی آن‌ها کمک کند و در عینیت بخشی و توالی تاریخی رخدادهای مؤثر واقع گردد.

این پژوهش، ابتدا بر مبنای چند سنورنامه قومی و سواد چند سنورنامه سلطانی واقع در مخازن آرشیو ملی ایران آغاز شد و در ادامه سنورنامه شاه عباس صفوی در نسخه خطی «جنگ احمد غلام» در مخزن کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سنورنامه شاه صفی در نسخه خطی «جنگ مرتضی قلیخان شاملو» موجود در مرکز کتابخانه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و سنورنامه‌های دیگر که متن آن‌ها در منشآت و کتاب‌های عصر صفوی تا زنده وجود داشت، به ادامه این مطالعه کمک کرد. بر این اساس، این پژوهش می‌کوشد ساختارشناسی این اسناد را بررسی کند.

پیشینه پژوهش

بهرروز گودرزی در مقاله «سنورنامه در دوره صفویه» به طور اجمالی و مفید، سنورنامه شاه صفی و سلطان مراد چهارم را به عنوان یک توافق‌نامه مرزی، مورد پژوهش قرار داده است. این پژوهش، تاریخچه ایجاد و برخی از سنورنامه‌ها و نامه سلاطین صفوی و عثمانی را تا عصر شاه صفی دنبال کرده و به دنبال پاسخ‌گویی به علت وجودی و اهمیت این دست از اسناد در تحقیقات تاریخی است؛ اما تحول این اسناد در دوره‌های واپسین عصر صفوی و پس از آن را پیگیری نکرده است. همچنین تحلیل ساختار شکلی و محتوایی مفاد این نوع از عهدنامه‌های مرزی مورد بررسی قرار نگرفته است. به واقع، مطالعه گودرزی، نوعی معرفی این نوع اسناد است. جز این مورد، مطالعه روشمند دیگری بر روی ساختارشناسی شکلی و محتوایی سنورنامه‌های عرفی و دیوانی

یافت نگردید. بازه زمانی این پژوهش از جایی شروع می‌شود که گودرزی پژوهش خود را به پایان برده و می‌کوشد تحولات این اسناد و گستره محتوایی مفاد آن را پس از عهدنامه ذهاب تا معاهدات مرزی دوره زندیه پیگیری کند. نقطه تمایز این پژوهش در پرداختن به ارکان اصلی این دست از اسناد و تحلیل تاریخی کارکرد آنهاست. با مقوله‌بندی و شاخص‌سازی عبارت مختلف سنورنامه‌ها، امکان توصیف عمیق‌تر و پرمایه از فرآیند شکل‌گیری مرزهای تاریخی ایران عصر صفوی و چرایی جابجایی برخی از اقوام سرحدی مهیا می‌گردد.

ابتدا این پژوهش در قالب یک مدخل برای دانشنامه‌سندشناسی از پژوهش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی که در حال چاپ است، آماده و ارائه گردید؛ اما محدودیت تعداد کلمات در مداخل دانشنامه‌ای و نیز یافت شدن سنورنامه‌های جدید، نویسندگان را بر آن داشت تا آن را در قالب مقاله‌ای کامل و فارغ از محدودیت‌های دانشنامه‌ای ارائه کنند. با گسترش تحقیقات و دست یافتن به اسناد جدید از سنورنامه‌های دیوانی در کتابخانه مجلس و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و کتاب «عهدنامه‌های دوره قاجار»، تحلیلی سندشناختی از محتوا و مفاد این دست از اسناد، تطور و کارکرد تاریخی آنها تا دوره زندیه مورد مذاقه قرار گرفت. علاوه بر سنورنامه‌های سلطانی و دیوانی، سنورنامه‌های مربوط به اقوام در آرشیو ملی ایران به دست آمد که نشان می‌دهد اقوام غربی ایران با این نوع سند آشنا بوده‌اند. جزئیات این اسناد به همراه سنورنامه‌های کتابخانه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کمک مفیدی به این مطالعه در تحلیل محتوا و خط سیر تکامل آنها کرد. سنورنامه‌های موجود در منابع تاریخی و رسالات دوره صفوی تا عصر زندیه و تکمله‌هایی که در شرایط تاریخی مختلف به محتوای اصلی این اسناد اضافه گردیده، این پژوهش را رهنمون ساخت. بنابراین، این مطالعه سعی دارد تمام سنورنامه‌های موجود را پس از جستجو در منابع و مراجع مختلف به سنجش گذاشته و به تحلیل داده‌ها و اهمیت آنها برای مطالعات تاریخی بپردازد.

شکل‌گیری سنورنامه‌ها

تبادل عهدنامه‌های مرزی بین شاهان و حاکمان کشورها تا پیش از حکومت صفوی، مرسوم نبود. آثار به جای مانده از کاتبان و نویسندگان حکومت‌های پیش از صفویان نیز مطلبی در این باب نداشتند. محمدبن هندوشاه نخبوانی که در عهد جلایریان می‌زیسته، نمونه‌هایی از انواع و اقسام نامه‌های رایج در سطح حکومت و مردم عادی را در اثر خود درج کرده است. وی ذیل عنوان عهدنامه‌ها، سه نمونه از نامه‌های سلاطین را برای درخواست صلح و سه نمونه برای قبول آن ارائه می‌دهد که در هیچ یک، اثری از توافقات مرزی دیده نمی‌شود (گودرزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲).

عثمانی‌ها، در گسترش قلمرو خود به سوی غرب و در مواجهه با ملل اروپایی بعد از معاهده وستفاليا، با تعیین حدود دقیق آشنا گردیدند و به نظر می‌رسد در سمت شرق نیز به دنبال ایجاد حدودی دقیقتر برای قلمرو متصرفی خود بودند. در این سوی، صفویان نیز وارث مرزهای آق‌قویونلوها در غرب شامل رود فرات از شبه جزیره آناتولی تا ورود به بین‌النهرین و از الحاق به دجله بودند. پس از جنگ چالدران که به شکست صفویان انجامید، آناتولی شرقی از ایران جدا و به امپراتوری عثمانی منضم گردید. در ادامه، مناطق بین‌النهرین و وان از ایران جدا شد. حکومت صفوی ناچار شد اولین معاهده مرزی آماسیه را در سال ۹۶۲ ق با عثمانی‌ها بپذیرد. اگرچه، به نظر می‌رسد در این معاهده، دست‌کم به شکل شفاهی جزئیاتی را در نظر گرفته بودند و هر دو طرف هم از محدوده آن خبر داشتند، ولی در سند معاهده، خبر دقیقی از جزئیات مرزهای توافقی نیست (غفاری فرد، ۱۳۵۶، ص. ۲۲۱) و همین پایه منازعات محلی دیگر گردید. در نامه سلطان عثمانی به شاه عباس صفوی تأکید شده که

«به حکام و وزراء عظام نیز دستور داده شده که مخالف عهد مزبور عملی انجام ندهند و به انواع تأکیدات تخویف شده‌اند که در منطقه مأموریت خود در محافظت سرحد مقید باشند و راه‌های تجاوز را مسدود نمایند و از سنور معین خارج نشوند و صورت منظم امور را درهم و مشوش نسازند» (نوایی، ج ۳، ۱۳۵۷، ص. ۱۷۹).

در زمان اعزام ابراهیم‌خان چاووش‌باشی به سوی دربار صفوی مقرر گردید

«احوال مذکور و سنور و حدود را علی‌الوجه الکمال تقدیم داشته تخلیه قلاع مربوط به شهرزور و بغداد انجام شده و امور سنور و حدود، فی‌صله یابد و اجازه بازگشت دریافت دارد» (نوایی، ج ۳، ۱۳۵۷، ص. ۱۷۹).

سلطان مراد سوم عثمانی «... سفارش فرمودند که این طریق را مرعی داشته سنور و سرحد بدین قاعده قرار دهند که رفع ماده خصومت و نزاع بالکلیه شده، امور جزئی را بموجب تعویق کلیات نسازند و امیرگونه‌خان حسب فرمان همایون‌آئین شایسته بسلماس رفته، محمد پاشا نیز به آنجا آمدند تا دو ماه اوقات در این گفتگو صرف نموده، بر نهجی که مسطور گشت، سنور و سرحد تعیین یافت و سنورنامه‌چه نوشته شده و...» (اسکندریبگ، ج ۲، ۱۳۱۴ ق، ص. ۶۱۱).

در این توافق، برخلاف معاهده آماسیه، سرحدات با ذکر نام شهرها و مناطق، دقیق‌تر منعقد گردید (غفاری فرد، ۱۳۵۶، ص. ۲۵۲-۲۴۹). در سال ۱۰۴۸ ق ساروخان تالشی با سرعسکر عثمانی در رابطه با سنور دو حکومت به همراه دیگر والیان منطقه به وکالت از طرف حاکمان خود مذاکره کردند. ساروخان درخواست استقرار حدود و سنور عهد شاه عباس را کرد و فرمانی در این زمینه هم همراه داشت: «سرانجام سنور و سرحدات تعیین

شد و سنورنامه‌چه نوشته شده به مهر محمد پاشا و حکام و اعیان ترک رسید و امیر گونه‌خان نیز با بزرگان ایران صورت مزبور را امضاء کردند و نسخ موافقت‌نامه مبادله گردید» (نوایی، ج ۳، ۱۳۵۷، ص. ۱۸).

شکل‌گیری و رواج سنورنامه‌ها که جزئیات دقیقی از سرحدات و خطوط مرزی را ارائه می‌داد، مربوط به این دوره تاریخی است. این نوع از اسناد در رفع اختلافات مرزی میان حکومت صفویه و عثمانی، به تسری استفاده از آن‌ها در میان اقوام سرحدی، به خصوص اقوام غربی ایران گردید و تلاش شد با ضمانت دیگر اقوام، برخی از عوارض طبیعی از قبیل رودخانه، کوه و دره را حدود خود با دیگران در استفاده از اراضی و علفچر مشخص کنند (ساکما، ۹۹۸/۵۵۶۴۸). بر این اساس، سنورنامه‌های دیوانی که در ابتدا عهدنامه‌های مرزی بین دول صفوی و عثمانی بودند، به سنورنامه‌های قومی و عشایری که حدود مالکیت یک یا چند قوم را تعیین می‌کرد، ختم شد. این سند، نوعی مصالحه ملک مشاع با حدودی دقیقتر از قبل برای اقوامی بود که منافع مشترک داشتند و هدف آن نگاه‌داشتن تعهدات طرفین بود و به اطلاع اقوام و عشایر کوچرو هم‌جوار می‌رسید. این نوع سنورنامه‌های قومی را حاکمان ایالات و ولایات مورد تأیید قرار دادند.

سندشناسی سنورنامه‌ها

ساختارشناسی اسناد علاوه بر این که به دانش سندشناسی یاری می‌رساند، داده‌های لازم را برای تحلیل محتوای اسناد ایجاد می‌کند. ساختارشناسی، نوعی ساده‌سازی و پیاده کردن عبارات و استعارات در زمانی است و نوعی تجزیه و آنالیز تخصصی داده‌ها و ارکان و اجزای اصلی و فرعی اسناد است. با در معرض تحلیل قرار دادن داده‌های سنورنامه‌ها و سنجه آن‌ها با اطلاعات دیگر مراجع تاریخ‌نگارانه، امکان توصیف عمیق‌تر و پرمایه از فرآیند شکل‌گیری مرزهای تاریخی قلمرو غربی ایران در عصر صفوی مهیا می‌شود. ساختارشناسی این اسناد نوعی بازنمایی و بررسی اهمیت و نیز کارکرد هر بخش از متن آن است که آگاهی را نسبت به تعارضات منطقه‌ای ایران دوره صفوی تا زندیه در سرحدات غربی وسیع‌تر می‌کند و از طریق مقوله‌بندی ارکان سنورنامه‌ها و شاخص‌سازی برخی عبارات سنورنامه، بینش اولیه حدوث چنین اسنادی را روشن‌تر می‌گرداند و در ادامه می‌کوشد تحول معنایی سنورنامه‌ها و قبض و بسطی که در درک و دریافت شمولیت آن بین اقوام ساکن در سرحدات ایجاد شده بود، آشکار کند. بدیهی است که شناخت هر نوع سند با دانش سندشناسی ممکن می‌گردد. سندشناسی دانشی است که مصالح، شکل، محتوا، سبک نگارش و نیز اصطلاحات اسناد را بررسی می‌کند.

سنورنامه‌ها در طیف اسناد و نوشتجات عرفیه قرار می‌گیرند که شرایط نوشتن این نوع اسناد ناشی از دستاوردهای نظام اجتماعی و سیاسی حاکم بر زمانه و لازمه زندگی و روابط روزمره بشری می‌باشد (رضایی،

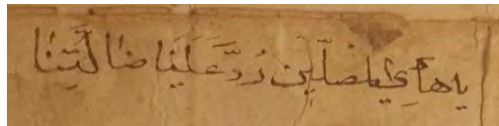
۱۳۹۰، ص. ۳). اسناد عرفی خود به دو دسته دیوانیات و اسناد شخصی تقسیم می‌شوند (گرونکه، ۱۹۸۶، ص. ۴۵۵). با این توضیحات اسناد سنورنامه، زمانی که به عنوان مصالحه و نامه سران بین حکومت صفوی با حکومت عثمانی منعقد می‌گردند و نتیجه کار دیوانیان و نظام اداری حاکم باشند، به عنوان اسناد عرفی دیوانی قلمداد می‌شوند و در شرایطی که سران اقوام و عشایر برای تعیین محدوده اراضی عشایری، حوزه علفچر احشام و کشاورزی خود و برای رفع هرگونه نزاع، به عنوان یک قرارداد و یک صلح‌نامه اجتماعی منعقد گردد، اسناد عرفی شخصی و قومی شناخته می‌شوند.

در سنورنامه‌های بین اقوام، همه مطالب و مفاد سند در رویه سند قرار دارد و در ظهر سند هیچ‌گونه نوشته، امضا، توقیع یا مهری درج نمی‌گردد (ساکما، ۲۵۳۸۲/۲۹۶). در هامش اسناد، سجلات و گواهی‌های افراد و بزرگان حاضر در جلسه انعقاد قرارداد صلح قرار دارد؛ البته به اقتضای ادبیات عرب همواره جنسیت و تعداد متعاقبین مراعات می‌شده است. بنابراین، کاتب با این سجلات قصد و هدف واقعی شخص و یا اشخاص را اعلام می‌کرده است. سجلات از حیث رجال‌شناسی اهمیت زیادی دارند. به خصوص زمانی که دانسته شود این مهرها و سجلات به سران طوایف مختلف مربوط هستند. اسامی ذیل مهرها در سنورنامه قومی، بعضاً پسوند قومی و مکانی مختلفی دارند که نشان از دعوت از طوایف همجوار در روستاها و عشایر نزدیک است تا هم حدود جدید را به نظر آن‌ها نیز برسانند و هم به تحکیم این مصالحه بینجامد. نوع سجلات ذکر شده در سنورنامه‌ها، سجلات وقوعی مربوط به صلح‌نامه‌ها هستند و با ذکر (قَدْ وَقَعَ الصُّلْحُ وَ جَرَى صَيْغَهُ فِي حُضُورِ جَمْعِ أَهْلِ شُعُورٍ لِدِقِ كَاتِبِ الحُرُوفِ أَهْلِ العِبَادِ...) نگاشته می‌شد (ساکما، ۲۵۳۸۲/۲۹۶) که نشان از تأیید عنوان مصالحه برای این دست از اسناد بین دیوانیان و کاتبان است. در بالای سند سمت راست ملا، بزرگ مذهبی یا رهبر قبیله و عشیره به عنوان آخرین مؤید محتوای چنین اسنادی، آن را تصدیق و مهر خود را بر سنورنامه می‌زد. بر این اساس، به نظر می‌رسد سنورنامه نوعی از مصالحه‌نامه است که کارکرد آن از حوزه دیوانی به حوزه محلی و طوایف رسیده است.

تحلیل محتوایی سنورنامه‌ها

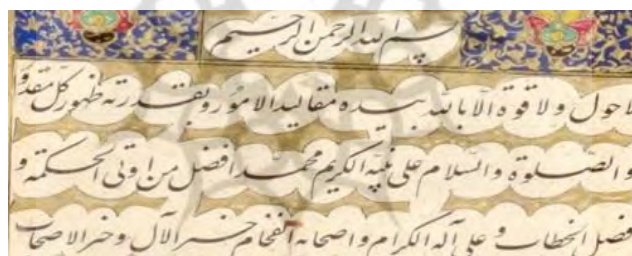
اگرچه ارکان اصلی سنورنامه‌ها با ارکان مصالحه‌نامه‌های این دوره از تاریخ ایران شباهت ساختاری دارند، ولی تکامل آن‌ها و افزوده شدن موارد اختلافی بین دول یا بین اقوام، آن‌ها را دارای اهمیت ویژه کرده است. ارکان اصلی این اسناد عبارتند از:

تسمیه: به معنای ذکر نام خداوند است (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه) و در بالای صفحه سند و با فاصله زیادی از سطر اول نوشته می‌شد. این قسمت در سنورنامه‌های قومی دیده شد. از نمونه آن «یا هادی المصلین ردّ علینا...» و «هو العلم بالضمایر» (ساکما، ۲۹۶/۲۵۳۸۲) را می‌توان ذکر کرد.



تصویر ۱. نمونه تسمیه

تحمیدیه: در نمونه سنورنامه‌های قومی و شخصی، تحمیدیه‌ای ذکر نشده و با جمله‌ای خبری آغاز می‌شود که از زمان ایجاد و اطلاع اقوام از سنورنامه و با طرح دعوی به متن اصلی سند متصل می‌گردد؛ اما در سنورنامه‌های دیوانی دارای تحمیدیه مشتمل بر خطبه، بسمله، دیباچه است. مقدمه‌پردازی در این نوع از سنورنامه‌ها رواج دارد. دیباچه این اسناد هم شامل نام خداوند و معصومین و شاهان و القاب آن‌ها و مطالبی به تناسب موضوع بود. در دیباچه عموماً از صنایع ادبی- به خصوص زمانی که به ستایش خداوند و نعت رسول می‌رسد- فراوان استفاده شده است.



تصویر ۲. نمونه تحمیدیه

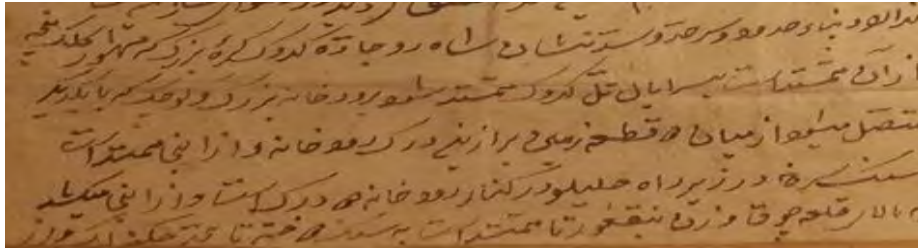
بعديه: متن اصلی پس از بعديه (اما بعد) قرار دارد که معمولاً چه در سنورنامه‌های قومی و چه دیوانی بیشترین کلمات را به خود اختصاص می‌داد.



تصویر ۳. (آلبوم بیوتات سلطنتی، شماره ۱۵۸، شماره بازیابی ۲۹۵،۸۰۳۸ و سنورنامه شاه‌عباس و سلطان مراد سوم، کتابخانه

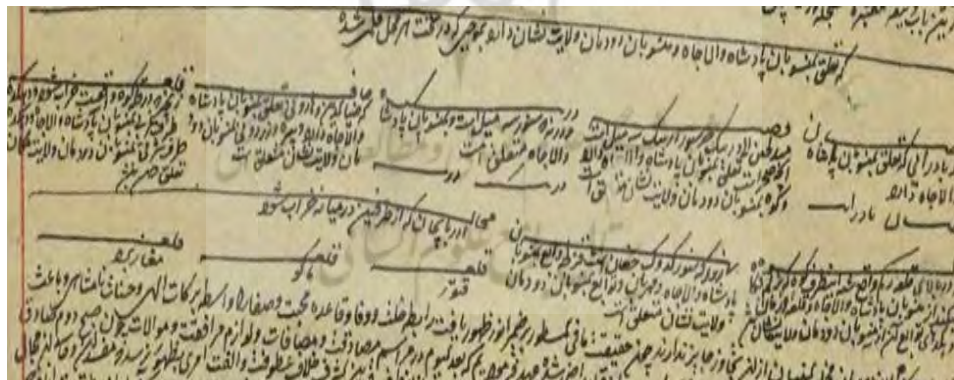
مجلس شورای اسلامی، ش ۳۴۵۵)

حدود سد و سنور: در متن اصلی سنورنامه‌های شخصی و قومی، از طوایف و اقوامی که تعیین حدود و سد و سنور بر اراضی آنها اجرا می‌گردید، در ادامه به تعیین حدود دقیق اراضی پرداخته می‌شود. معمولاً مرزها را با استفاده از عوارض طبیعی مانند کوه‌ها، رودخانه‌ها و جنگل‌ها معین می‌کردند.



تصویر ۴. (حدود سنورنامه قومی مربوط به املاک چوپان قران آذربایجان، ساکما، ۲۵۳۸۲، ۲۹۶)

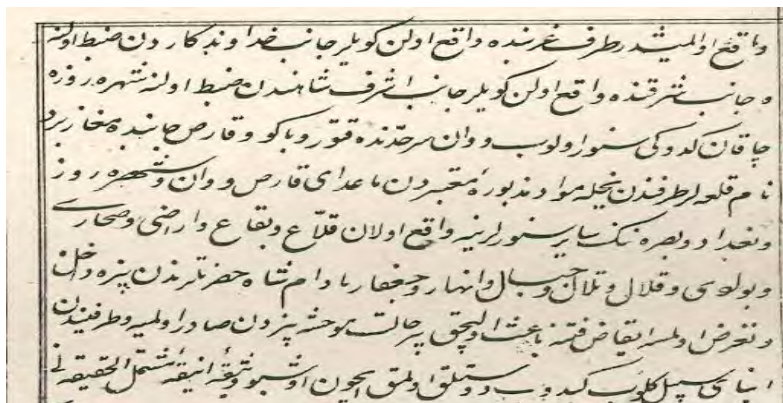
این بخش در سنورنامه‌های دیوانی به شکل دقیق ذکر شده است. از همه طوایف و اقوام منتفع یا متنازع در محدوده سنور نام برده و میزان حق و مرز آن‌ها به صورت دقیق و صریح روشن می‌شد. برای تأیید و تصرف یک منطقه برای قوم خاصی به اسناد گذشته تکیه و رجوع داده می‌شد. در صورت نبود چنین اسناد و معیارهای محکمی، سران اقوام در حضور بزرگان عشایری و حکومتی با قسم خوردن، معاهده و مصالحه مرزی خود را حل می‌کردند. به همین خاطر معمولاً در جلسه انعقاد چنین اسنادی، از قبایل و طوایف همجوار دعوت به عمل می‌آمد تا ناظر و شاهد اعمال و مصالحه و احتمالاً به عنوان گواهان و تصدیق‌کنندگان این سند، مهر صحنه خود را بر سنورنامه بزنند. حدود مشخص شده در یکی از سنورنامه‌های دیوانی صفوی در شکل زیر آمده است:



تصویر ۵. (سنورنامه شاه عباس و سلطان مراد سوم، نسخه خطی جنگ احمد غلام، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۳۴۵۵)

چنانچه به هر دلیلی روند مذاکرات برای انعقاد چنین مصالحه‌ای کند پیش می‌رفت، برخی از اقوام برای پیشبرد اهدافشان اشخاص متنفدی را که در نظر طرفین جایگاه ویژه‌ای داشتند، به عنوان وکیل خود قرار می‌دادند تا نیت و منویات ایشان نیز در مصالحه لحاظ گردد و به طرح دعوی دیگر نینجامد و یا حتی مبدل به نوعی ضمانت اخلاقی برای طرفین گردد. به همین علت امکان داشت روند مذاکرات طولانی و سند مصالحه بین

اقوام دست به دست گردد تا به تأیید همه برسد. شاید این علت موجهی برای ذکر نشدن روز دقیق انعقاد قرارداد در اسناد مزبور باشد که صرفاً به درج تاریخ ماه و سال اکتفا شده است (ساکما، ۲۹۶/۲۵۳۸۲).



تصویر ۶. (حدود ذکر شده به زبان ترکی در سنورنامه شاه صفی و سلطان مراد چهارم. نسخه خطی جنگ مرتضی - قلیخان شاملو. ۱۰۶۹ هـ.، ص. ۳۳۵)

در ابتدای متن اصلی سنورنامه‌های دیوانی، از اشخاص و مأموران دو دولت به عنوان نماینده قرارداد مصالحه نام برده می‌شود. این اشخاص با سران اقوام و طوایف عشایر مرزی در ارتباط و به قلمرو و اراضی عشایری آن‌ها آشنا بودند. در تحدید حدود از اقوام مختلف منطقه و حضور آن‌ها، شهرها، قلاع و رودخانه‌ها نام برده می‌شد (سنورنامه شاه عباس و سلطان مراد سوم، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۳۴۵۵).

در پیمان زهاب، ابتدا سنورنامه و نامه سران به یک معاهده سیاسی تبدیل گردید. پس از سقوط بغداد در سال ۱۰۴۸ هـ.ق / ۱۶۳۸ م. به دست عثمانی‌ها، مصطفی پاشا، وزیراعظم عثمانی از سوی سلطان مراد چهارم مأمور مذاکرات صلح شد (صالحی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۴-۱۰۹). سرحدات و سنور دو کشور در این سنورنامه ذکر شده: «از حدود و سنور واقعه در سمت بغداد و آذربایجان محلین موسوم به جسان و باورایی متعلق به جانب همایون گردیده و بلوک مندلیج تا درتنگ که محل موسوم بسمیل سنور درتنگ معین شده است، با صحاری واقعه در میان آن‌ها به جانب همایون ما و کوهی که در قرب آن واقع شده است...» (جنگ مرتضی قلیخان، ۱۳۸۲، ص. ۳۳۵-۳۳۲، مشیرالدوله، ۱۳۴۷، ص. ۸۰-۷۹).

«جسان و باورایی (بادرایی؟) تعلق به پادشاه روم دارد. قصبه مندلیج درتنگ که سنور درتنگ سرمیل است، صحرای آن از پادشاه روم و کوه تعلق به دودمان خلافت نشان دارد. درتنگ و درنه که سنور آن

۱. دو قصبه در سرزمین کشور عراق کنونی است.

۲. شهر امروزی مندلی است.

۳. درتنگ همان ذهاب است (جعفریولدانی، ۱۳۶۷، ص. ۲۵).

۴. محلی در هفت مایلی شهر کرد است.

سرمیل است، تعلق به پادشاه روم دارد. جاف که ضیاءالدین و هارونی^۱ به ایشان تعلق دارد و ده‌پیره (ده‌پیر) و زردویی^۲ از دودمان خلافت نشان است. قلعه زنجیر^۳ که در کوه است، خراب شود و دهکده طرف غربی از ایشان است و دهکده‌های طرف شرقی، تعلق به این طرف دارد. کوهی که نزدیکی شهرزور و آن طرف قلعه ظالم است و آن چه به قلعه نگاه می‌کند، از منسوبان پادشاه روم است و قلعه اورامان و دهکده‌های توابع از خاقان همایون است. شهرزور که سنور گدوک^۴ شچغان است، قزلجه^۵ و توابع از پادشاه روم، مهرمان^۶ و توابع آن از دودمان خلافت مکان است. سایر آنچه در جانب آذربایجان بایست خراب شود، قلعه قطور و قلعه ماکویه و قلعه مغازبرد است...».

به طوری که از مفاد سند مذکور استنباط می‌گردد، این عهدنامه یک طرفه و در راستای منافع عثمانی‌ها تنظیم شده بود. برخی طوایف مانند ضیاءالدین و هارونی از شاخه‌های ایل جاف به عثمانی و بیره (پیره) و زردونی (زردویی) و محل استقرار ایشان به صفویان تعلق گرفت. استحکامات نظامی مرزی مثل قلعه زنجیر برای تأمین امنیت بیشتر تخریب گردید. منطقه و قلعه قطور با وجود آن که بر اساس همین سنورنامه در قلمرو دولت صفوی قرار گرفت، به مدت چند قرن مورد اختلاف دو کشور بود. فارغ از اهمیت ذاتی قطور به عنوان بخشی از سرزمین ایران، به دلیل قرار داشتن در منطقه‌ای مرتفع، نقش یک دیوار حائل جهت ممانعت از تعرض را داشت و به بیان مشیرالدوله «مفتاح سایر جاها» بود (مشیرالدوله، ۱۳۴۷، ص. ۱۶۳). به همین علت، اهمیت استراتژیک داشت. در سطور پایانی سواد معاهده ذهاب، چندین جمله ذکر شده که آزادی تجار آمده است که چنین مطلبی در سایر سنورنامه‌ها دیده نشد:

«تجار و ابناء السبیل گلوب گیدوب و دوستان اولمفجون او سیئی اینفه مشتمل الحقیقه وکالت‌نامه و نیابت محققه خاصه سو خنجه کشیده سلک تحریر اولوب» (اوحید قزوینی، ۱۳۲۹، ص. ۵۲ و خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص. ۲۷۴).

چنان که مشخص شد، سنورنامه‌ها نه تنها به مشخص کردن سرحدات بلکه به تمام اموری که در آینده ممکن بود، پیش آید، می‌پرداختند و راه‌حلی مورد توافق طرفین ارائه می‌شد. متن و مواد این بخش‌ها در زمان

۱. دو طایفه از عشایر کرد که هنوز در عراق به همین نام هستند.

۲. از روستاهای شهرستان پاوه و اکنون از توابع بخش باینگان است (بختیاری، ۱۳۸۳: زیرعنوان واژه).

۳. قلعه زنجیر اکنون همین نام را دارد در امتداد خط جغرافیایی از سرمیل تا درنه است.

۴. همان دهکده و قلعه ظالم است که امروز به شهر اورامان معروف است (جعفریولدانی، ۱۳۶۷، ص. ۲۵).

۵. گردنه

۶. به ناحیه پنجوین اطلاق می‌شود (جعفریولدانی، ۱۳۶۷، ص. ۲۶).

۷. نام قدیمی و ایرانی شهر مریوان است.

۸. «تجار، مسافران و رهروان برای رفت و آمد و تجارت آزاد هستند و ألفت و دوستی بین مردم ایران و عثمانی برقرار است و این به نیابت در معاهده درج و تحریر گردیده است.»

ارسال برای تأیید دربار و یا جابجایی حاکمان دو کشور ممکن بود کم یا زیاد شود. نمونه چنین اقدامی از سوی عثمانی‌ها با گنجانیدن سرحدات مورد اختلاف اقوام مرزی یا قرار دادن علفچر یک قوم در آن سوی مرز صورت گرفته است. علاوه بر این، مقامات عثمانی غیر از تلاش نظامی یا خدعه در نوشتن متن معاهدات بین‌الطرفین، به تحریک احساسات مذهبی و قومی عشایر کرد و ترک می‌پرداختند (فیضی، ۱۳۹۱، ص. ۳۷) یا در مواردی با کوچاندن برخی طوایف سرکش و خارج از تابعیت قلمرو خود نوعی بی‌نظمی سرحدی را ایجاد می‌کردند (مشایخ فریدونی، ۱۳۶۹، ص. ۳۴) و از این طریق، حتی زمانی در لشکرکشی نظامی توفیقی نمی‌یافتند، فرصت استفاده از منافع پیروزی را به ایران نمی‌دادند و حتی امتیازاتی هم به دست می‌آوردند. در واقع، دو طرف با تنظیم روابط عشایری اقوام و جابجایی و پراکندگی آمرانه آن‌ها، هم به امنیت سیاسی داخل قلمرو اصلی کمک می‌کردند و هم با دخالت و مزاحمت در منافع مختلف طرف مقابل، گوشه چشمی به رخدادهای آتی داشتند. در چنین رویکردی، بازتنظیم مرزها از سوی ایران یا عثمانی، اولویت پاسداری از حقوق عمومی و اقتدار حکومت را به یک ضرورت تبدیل می‌کرد و به اعمال سیاسی و تبلیغاتی حکومت‌ها در طراحی مرزهای امن مشروعیت می‌بخشید. بر این اساس، چنین مرزهایی نه تنها مانعی بر سر راه تجاوز دولت متخاصم بودند، بلکه تمهیدی برای اعمال سلطه و نظارت بر نیروها و اقوام سرحدی داخل قلمروی خودی می‌گردید.

علامت‌گذاری مرزها: پس از سقوط صفویه، اشرف افغان، با سپاهیان عثمانی که در زمان ورود افغانه نواحی غربی ایران را تصرف کرده بودند، روبرو و موفق شد در فراهان سپاه عثمانی را شکست دهد (فلور، ۱۳۷۶، ص. ۱۹). مذاکرات بعدی منجر به موافقت‌نامه‌ای گردید که الحاق اراضی متصرفی عثمانی‌ها را به رسمیت شناخت.

در این معاهده برای اولین بار سخن از علامتگذاری مرزها به میان آمده است: «پس از آن که به واسطه علامتگذاری، مرزها قطعی شد، هیچگونه دخل و تصرفی از طرفین که مغایر حدودنامه و سنورنامه‌ها و شرایط آن باشد، حتی به اندازه یک وجب صورت نخواهد گرفت» (مجموعه معاهدات سی، ۱۲۹۴ق، ص. ۳۱۳). بخش بزرگی از سرزمین اصلی صفویان به تصرف عثمانی‌ها درآمد بود و سعی داشتند با دقت بالا در علامتگذاری، مرز را به نفع خود تثبیت کنند. دیگر به دنبال تأخیر در ایجاد سنور نبودند. بعدها نادرشاه افشار پس از شکست عثمانی‌ها، مرزها را دوباره به سرحدات صلح زهاب برگرداند.

توافق مذهبی: در نسخه‌ای از معاهده زهاب که در کتاب *منتظم ناصری* آمده، شرط خودداری از لعن و سب خلفا و ام‌المؤمنین عایشه از سوی ایرانیان به عنوان یکی از مفاد عهدنامه ذکر شده و بر آن تأکید شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، ص. ۹۳۴). این بند در عباس‌نامه و خلاصه‌السییر نیامده است. چه بسا به وسیله عثمانی‌ها بعدها اضافه کرده باشند (عابدینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۴).

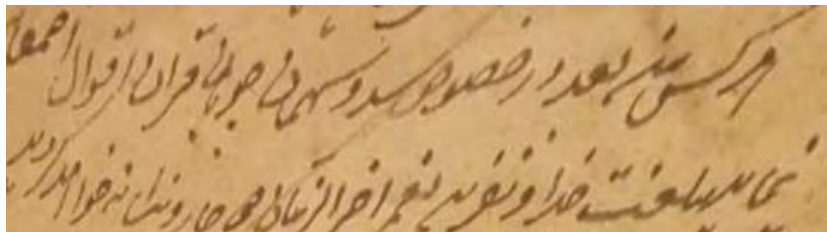
پیوستگی مذهبی ایران با بین‌النهرین همیشه برای پادشاهای عثمانی باعث سوءظن بود و برای دور نگه‌داشتن ایران به ایجاد کمربند مرزی تلاش می‌کردند. ستمکاری و ظلم مأموران عثمانی به تجار ایرانی و شیعی در اخذ عوارض گمرکی و مالیات و خودسری پاشایان بغداد همواره وجود داشت (دهقانی، ۱۳۸۸، ص. ۹۷). بنابراین، صرفاً جنگ‌های دو کشور و تخاصمات منتهی به لشکرکشی‌های سراسری باعث ایجاد سنورنامه‌ها نبود؛ بلکه باید سنورنامه‌ها را به مثابه یک مصالحه سرگشاده و به عنوان یک تنظیم‌کننده روابط مذهبی دو کشور در سرحدات و ناظر ارتباطات عشایر و اقوام سنی و شیعه و نیز تسهیل‌کننده تجارت و بازرگانی در نظر گرفت. جابجایی برخی از عشایر در سرحدات سنورنامه یا پذیرفتن نقطه‌ای خاص به عنوان سرحد یا توافق برای تخریب یک قلعه نظامی در راستای ممانعت از اثرگذاری مذهبی و قومی و به نوعی جلوگیری از نفوذ گفتمان قدرت دول دو سوی مرز بود. این شکلی از سیاست بازدارندگی در تخاصمات آتی بود (لطفی و اقبالی، ۱۳۹۱، ص. ۵۲).

در سوادنامه کریم‌خان زند به سلطان عبدالحمید اول که در آرشیو عثمانی موجود است، تأکید شده سنور عهد شاه‌صفی صفوی پابرجا باشد و فقط درخواست شده بندهایی به آن اضافه تا توافق حاصل گردد.

«آن چه در خصوص تشدید مبانی سنور و عهد فیما بین روم و ایران که در سنه... استقرار یافته... و سرحداتاران و ضابطان ثغور ممالک روم... به ارتکاب حرکتی که منفی دوستی و راه و رسم سنور و اخوه اسلامی است، قیام و اقدام کنند» (دفتر نامه همایون، ۱۱۸۹ق، نامه ۱۷۴).

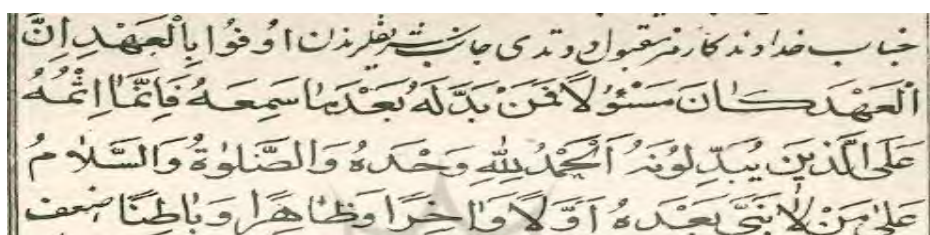
در این جا مفهوم سنور فقط ارجاع به معاهده مرزی نیست، بلکه تعهد معنوی و اخلاقی هم از آن استنباط می‌گردد. در این نامه مشخص می‌گردد که کریم‌خان، سنورنامه جدیدی با عثمانی‌ها برقرار کرده و بندهایی در مورد رفتار با حجاج بیت‌الله الحرام و زوار مشاهد متبرکه بدان اضافه شد. دیگر آن که قرار شد از ورود اقوام و عشایری که به دلیل تفرقه یا جنگ به سمت سرحدات عثمانی یا خاک عثمانی می‌روند، جلوگیری و اموال و ثروت بسیاری از زائران و تجار ایرانی حاضر در عتبات عالیات، با وجود توافق به تصرف حاکمان غاصب عثمانی درآمده، برگردانده شود (دفتر نامه همایون، ۱۱۸۹ق، نامه ۱۷۴).

تحدیر/دعای خیر: در انتهای سنورنامه‌ها از جملات تحذیری و نفرین و انذار برای ضمانت معنوی مصالحه استفاده می‌شد. با این عنوان که در زمان تراضی، طرفین مصالحه سنور، قسم یاد می‌کردند که توافق را برهم نزنند و قوم یا شخصی که این عمل را انجام دهد، دچار لعن و نفرین گردد.



تصویر ۷. نمونه تحذیر

در سنور دیوانی و سلطانی با دعای خیر برای طرفین و وفای به عهد و نام بردن از نویسندگان یا کاتب و سلطانی که برای وی تقریر شده، سند به پایان می‌رسد.



تصویر ۸. (سنورنامه شاه‌صافی و سلطان مراد چهارم. نسخه خطی جنگ مرتضی قلیخان شاملو، ۱۰۶۹، ص. ۳۳۵)

گاهشماری: در پایان سند تاریخ انعقاد مصالحه تنها با ذکر ماه و سال درج می‌گردد و روز معینی در آن نوشته نمی‌شد و به صورت تحریراً شهر فلان سنه... ارائه شده است.

کارکرد سنورنامه‌ها

سنورنامه‌ها، اسناد دیپلماسی مسالمت‌آمیز سیاسی و نظامی هستند که در راستای جلوگیری از یک درگیری بین‌المللی یا برای خاتمه یک نزاع قومی تهیه شده‌اند و بر اساس آن بر روی حدودی معین، مصالحه صورت می‌گرفت. مکان‌یابی دقیق سرحدات بر اساس اسناد مزبور و جای‌گذاری آن‌ها در مکان تاریخی خود، رؤیت تاریخ در پهنه جغرافیا را برای محقق ممکن می‌سازد. این نقاط سرحدی و سنور جدید یا حدود قبلی را تأیید می‌کرد یا سنور جدیدی در بین دول یا اقوام تدارک دیده می‌شد.

با وجود عهدنامه‌ها و توافقات عثمانی‌ها با ایران برای حل و فصل امور سرحدی، رویکرد سیاست خارجی عثمانی‌ها مبنی بر اشغال مناطق مرزی و تشویق ایلات و عشایر بر ضد ایران ادامه داشت و چندان اعتنایی به معاهدات رسمی نداشتند؛ برنامه عملی آن‌ها فرصت‌طلبی، زورگویی، وقت‌کشی و بی‌اعتنایی بود. در واقع، پاشانشین بغداد از سوءمدیریت حاکمیت ایران و خاندان‌های حکومتگر در ولایات غرب ایران بهره‌برداری می‌کرد. منابع مختلف در این دوره، تشکیل کمیسیون مرزی و تهیه سندی حاوی جزئیات مرز را گزارش داده‌اند. از پیمان زهاب به بعد سنورنامه در نامه‌های سلاطین ادغام شد و این روال تا حاکمیت افغان‌ها بر اصفهان و سلطنت

نادر ادامه یافت (گودرزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۶). تعهدات طرفین در این اسناد تا دوره زندیه تأیید و حتی افزوده گشت و زمینه کمیسیون‌های مرزی مختلف دوره قاجاریه گردید و در نهایت برخی اختلافات باقیمانده آن در زمان رضاشاه پهلوی برطرف شد.

بعد از سقوط دولت صفوی، این نوع اسناد در عهدنامه‌های مرزی ایلات بزرگ و عشایر نیز مورد استفاده قرار گرفت. سنورنامه‌ها به علت این که محدودکننده فضای اعمال حاکمیت حکومت مرکزی یا اقوام گردیدند و حرکت در دو سوی مرزهای توافقی را کنترل می‌کردند، مبدل به مهمترین ابزار همگن‌ساز سیاسی و اقتصادی برای افراد آن محدوده سرحدی شده و باعث حفظ امنیت عینی و ذهنی این مناطق می‌گردیدند. سنورنامه‌های شناخته شده در مناطق شمال غرب ایران، که بخش‌هایی از آن بعد از جنگ چالدران و در زمان ورود اقوام و نیروهای عثمانی در سیطره این حکومت بود، مورد کاربرد بوده است. اقوام در این منطقه به صورت نواری موزاییکی از مناطق جغرافیایی و اقوام مختلف بر گرد مناطق مرکزی قرار داشتند. اگرچه اسناد سنور ابتدایی عموماً معاهدات بین دول و در کشاکش جنگ‌های صفوی و عثمانی‌ها بودند؛ اما با اشتها و کاربرد آن‌ها در تعیین دقیق سرحدات، این نوع از اسناد در میان طوایف و اقوام ترک و کرد شمال غرب ایران استفاده شد و بعد از صلح آماسیه در میان رؤسای قبایل و ایلات آذربایجان رسوخ کرد و جایگزین شیوه قدیمی تعیین حدود گردید. چنین اسنادی از مهمترین ابزارهای تبیین‌کننده روابط و انتظارات بودند.

کار ویژه چنین اسنادی، تحرک و پویایی آن‌هاست؛ زیرا با توجه به سیاست‌های ایران و عثمانی، جهت‌گیری و جهت‌دهی به امور عشایر، اقوام و مناسک مذهبی مربوط به ایشان از اهمیت بالایی برخوردار بودند. این پویایی همراه تغییرات در سیاست حکومت‌ها و تغییر در آرایش قوای نظامی، همواره دستخوش دگرگونی بود. جای نشانی برخی از مناطق و روستاها در سرحدات مورد توافق صفویه و عثمانی با اعمال نفوذ یکی از دول، نه به خاتمه تخصیصات منجر نمی‌گردید، بلکه پی بنای نفوذ دیگری در ورای مرزهای سرزمینی بود (لطفی و اقبالی، ۱۳۹۱، ص. ۵۲).

نتیجه پژوهش

تحلیل محتوایی سنورنامه‌ها می‌تواند تحول معنایی این‌گونه از اسناد و قبض و بسطی را که در درک و دریافت شمولیت آن در بین اقوام ساکن در سرحدات ایجاد شده بود، یاری رساند. سنورنامه‌ها، اسناد دیپلماسی مسالمت‌آمیز سیاسی و نظامی در راستای جلوگیری از یک درگیری یا در خاتمه یک نزاع قومی تهیه شده‌اند و در آن‌ها بر روی حدودی معین مصالحه صورت می‌گرفت. نمایندگان اقوام یا دول در تعیین حدود به واقع گروهی از افراد بودند که با سران اقوام و طوایف عشایر مرزی در ارتباط و به قلمرو و اراضی عشایری آن‌ها آشنایی

داشتند. سنورنامه‌های دیوانی تبادل شده بین صفویان و عثمانی‌ها و در ادامه تا دوره زندیه، علاوه بر آن که کارکردی حکومتی در راستای نشان کردن حدود داشتند، برای تأمین منویات و امنیت اقوام سرحدی هم ایجاد می‌شدند که در این زمان تقارن منافع با یکی از حاکمان دو سوی مرز داشتند و به تدریج به تعهداتی اخلاقی و ارزشی برای ایشان مبدل می‌گردیدند. تحدید حدود مورد توافق در این نوع از سنورنامه‌ها با نام بردن از اقوام مختلف و با توجه به ارزش‌های مذهبی، هویتی و تاریخی ایشان و شناسایی محدوده حضور آن‌ها در شهرها، قلاع و رودخانه‌ها صورت می‌پذیرفت. به تدریج محتوای چنین اسنادی نه تنها به مشخص کردن سرحدات، بلکه به تمام اموری که ممکن بود در این سرحدات در آتی پیش آید، می‌پرداخت و راه‌حلی مورد توافق طرفین ارائه می‌داد. بر همین اساس، جنگ‌های دو کشور ایران و عثمانی و لشکرکشی‌های سراسری و تخاصمات این دو حکومت، صرفاً باعث ایجاد و استمرار کاربرد چنین معاهدات و تنظیم سنورنامه‌ها نبود، بلکه با اهمیت یافتن این موافقت‌نامه‌ها، سنورنامه‌ها در دوره‌های بعد به مثابه یک مصالحه سرگشاده و به عنوان یک تنظیم‌کننده ارتباطات در سرحدات مطرح شد و ناظری رسمی بر ارتباطات اقوام سرحدی گردید که به تسهیل مقررات تجارت و بازرگانی منطقه یاری می‌رساند. به عبارت دیگر، هر چه کاربرد چنین اسنادی بین دولتین ایران و عثمانی بیشتر گردید، کاربرد این اسناد نیز توسعه می‌یافت و تکمله و بندهای دیگری بر آن افزوده می‌گردید. سنورنامه‌های جدید، از یک سو، به پررنگ کردن تعلقات نژادی اقوام سرحدی در تقابل با ارزش‌ها و هویت مهاجمان انجامید و از سوی دیگر به درهم جوشی مسالمت‌آمیز اقوام محصور در مرزها یاری رساند و حتی به تولید زمینه‌های تعلق و تعهد اقوام مختلف، بر اساس منافع و دشمن مشترک در چارچوب مرزها کمک کرد. به عبارت دیگر، چنین مرزبندی‌هایی، با جای‌گیری و تعیین مکانی قلمرو حکومت و سلطه نظام‌های حاکم، به تدریج نوعی تعلق سیاسی و هویتی نوین ایجاد کرد. در نهایت، سنورنامه‌ها که در آغاز برای نقش جداکنندگی سیاسی و امنیتی ایجاد گشته بودند، نقش انسجام‌بخش به فرهنگ و هویت اقوام را به خود گرفتند و در ادامه مبدل به نوعی همگن‌ساز سیاسی و فرهنگی افراد گردیدند.

سپاسگزاری

از آقای دکتر امین محمدی به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و مطالعه متن مقاله حاضر و همچنین از آقای دکتر محمدجواد عبدالهپی، عضو هیئت علمی پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به خاطر مشورت و ارائه نظرهای ارزشمند تشکر و قدردانی می‌شود.

ارکان سنورنامه دیوانی در صورت مصالحه

(آلبوم بیوتات سلطنتی، شماره ۱۵۸ : ۲۹۵، ۸۰۳۸)



خطبه یا دیباچه در ستایش خدا و نعت رسول

بعديه: بیان حسنات صلح و لزوم اتحاد دو کشور و طرح موضوع اختلاف سرحدی

پیشنهاد حدود جدید سرحدی با نام بردن از طوایف و اقوام و مناطق مرزی و اختلافی بین دو کشور که رکن اصلی سنورنامه است.

در سنورنامه های بعد از شاه صفی بندهای جدیدی در باب امور مذهبی، امور اقوام عشایر سرحدی، امور بازرگانی و... به این مصالحه بین المللی افزوده شد.

دعای خیر مصالحه برای طرفین و پایدار ماندن توافق

تاریخ تحریر



نسخ خطی و اسناد

- اسکندریگ منشی (۱۳۱۴). تاریخ عالم آرای عباسی. ج ۲، تهران: دارالطباعه آقا سیدمرتضی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۴). تاریخ منتظم ناصری. (تصحیح محمداسماعیل رضوانی). تهران: دنیای کتاب.
- بیوتات سلطنتی، آلبوم شماره ۱۵۸، صورت عهدنامه‌های ایران با دول خارجه. شماره بازیابی ۲۹۵۸۰۳۸. شماره رکورد ۳۸۰۹۰۹۵.
- جنگ احمد غلام، سنورنامه شاه عباس و سلطان مراد سوم، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۳۴۵۵.
- جنگ مرتضی‌قلیخان شاملو (ه. ۱۰۶۹). (گردآوری ایرج افشار و احمد منزوی). تهران: کتابخانه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (بخش کتابخانه).
- خواجگی اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸). خلاصه السیر. (زیر نظر ایرج افشار). تهران: انتشارات علمی.
- دفتر نامه همایون (ه. ۱۱۸۹). نامه شماره ۱۷۴. آرشیو ملی ترکیه، جلد ۹. ۶۶-۶۵.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف‌الدین (۱۳۶۳). غیاث الغات. (به کوشش منصور ثروت). تهران: امیرکبیر.
- روزنامه‌چه ملاقات کماندان لنگران. در دو رساله و دو گزارش درباره تالش شمالی (۱۳۹۰). به کوشش حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ ایران.
- سنورنامه املاک چوپان قران آذربایجان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی ۲۹۶، ۲۵۳۸۲/۱.
- سنورنامه املاک چوپان قران آذربایجان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی ۲۹۶، ۲۵۳۸۲/۲.
- سنورنامه شاه صفی و سلطان مراد چهارم، بخش خطی کتابخانه ملی آنکارا، ش ۳۴NK۴۹۷۶/۵.
- سنورنامه قریه کلکای و خاکوانق آذربایجان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی ۹۹۸، ۵۵۶۴۸.
- غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۵۶). بررسی مجموعه فریدون بیگ (منشآت السلاطین). پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تهران.
- فیضی، کیومرث (۱۳۹۱). قیام شیخ عبیدالله نهری در دوره ناصرالدین‌شاه. ایلام: جوهر حیات.
- مجموعه معاهدات سی (۱۲۹۴ق). استانبول. نشر حقیقت.
- مشیرالدوله، میرزا سیدجعفرخان (۱۳۴۷). رساله تحقیقات سرحدیه. به اهتمام محمد مشیری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- وحیدقزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹). عباس‌نامه. تصحیح ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داوودی.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بختیاری، سعید (۱۳۸۸). اطلس گیتاشناسی استان‌های ایران. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۶۷). بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حاتمی، سنبل؛ موسوی، سید جلیل؛ طلیسچی، غلامرضا (۱۳۹۵). نگرش پدیدارشناسانه به بررسی نقش مرز در مکان‌های طبیعی و انسان‌ساخت. مطالعات محیطی هفت حصار. ۴ (۱۵)، ۲۷-۳۶.
- دانشگر، احمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی نوین. تهران: انتشارات حافظ نوین.
- دهقانی، رضا (۱۳۸۸). روابط ایران و عثمانی به مثابه الگوی روابط شرقی-اسلامی. فصلنامه فرهنگ، ۱۰۷-۸۳.
- رضایی، امید (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی در دوره قاجار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- صالحی، نصرالله (۱۳۸۶). رویارویی ایران و عثمانی بر سر بغداد: علل و نتایج. فصلنامه مطالعات و تحقیقات تاریخی، ۱۵.
- عابدینی، ابوالفضل (۱۳۸۶). چالش‌های موجود در روابط صفویه و امپراطوری عثمانی. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱ فلور، ویلم (۱۳۷۶). *اشرف افغان در تختگاه افغان*. ترجمه ابوالقاسم سری: تهران.
- کاووسی عراقی، محمدحسین (۱۳۷۹). *اسناد روابط دولت صفوی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- گودرزی، بهروز (۱۳۹۰). سنورنامه در دوره صفویه. پژوهش‌های علوم تاریخی، ۳(۲)، ۱۰۱-۱۱۲.
- لطفی، حیدر؛ اقبالی‌زارچ، محمدحسین (۱۳۹۱). کارکرد مرزها و جهانی شدن. فصلنامه جغرافیا، ۲(۲)، ۴۷-۵۹.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۸). *خلیج فارس: کشورها و مرزها*. ویرایش مژگان مهدوی، تهران: نشر عطایی.
- مشایخ فریدونی، آذرمیدخت (۱۳۶۹). *مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور*. تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ معین*. ج ۲. تهران: نشر سی‌گل.
- میرحیدر (۱۳۴۷). *دره، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: سیمرغ.
- نویسی، عبدالحسین (۱۳۵۷). *شاه عباس، ج ۳*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

References

- Abedini, A. (2006). Challenges in the relations between the Safavid Empire and the Ottoman Empire. *Historical researches of Iran and Islam*, 1. (in Persian)
- Anvari, H. (2008). *Great speech culture*. Tehran: Sokhan. (in Persian)
- Azarbaijan Chopan Qur'an property register, Iran National Library and Records Organization, retrieval number 1/296.25382.
- Azarbaijan Chopan Qur'an Real Estate Certificate, Iran National Library and Records Organization, retrieval number 2/296.25382.
- Bakhtiari, S. (2009). *Atlas of Geology of Iranian Provinces*. Tehran: Institute of Geographical and Cartographic Gitaology. (in Persian)
- Collection of 30 treaties (1877). Istanbul: *Publishing the truth*.
- Daneshgar, A. (2012). *Modern Persian culture*. Tehran: Hafez Novin Publications. (in Persian)
- Dehghani, R. (2008). Iranian-Ottoman relations as a model of Eastern-Islamic relations. *Culture Quarterly*, 71, 107-83. (in Persian)
- Etimad Al-Sultaneh, M. H. (1985). *Nazarite regular history*. (Corrected by Mohammad Ismail Rizvani). Tehran: *World of Books*.
- Faizi, K. (2012). *Uprising of Sheikh Obaidullah Nahri during the period of Naser al-Din Shah*. Ilam: the essence of life.
- Flore, W. (1997). *Ashraf Afghan in the Afghan Throne*, translated by Abul Qasim Seri: Tehran.
- Ghaffarifard, A. (1977). *Review of the Fereydoun Beyk Collection (Monasht al-Sulatin)*, Master's Thesis: University of Tehran.
- Gronke, M. (1986). *The Arabic Yarkand Document*, see BSOAS, XLIX,3.
- Guderzi, B. (2018). Senournameh in the Safavid Period. *Researches of Historical Sciences*, 3(2), 101-112.
- Hatami, S., Musavi, S. J., & Talischi, G. (2016). A phenomenological approach to the investigation of the role of borders in natural and man-made places. *Haft Hesar Environmental Studies*, 4(15). (in Persian)

- Humayun's diary (1775). letter number 174. National Archives of Turkey, 9, 66-65.
- Jafari-Voldani, A. (1988). *Historical study of Iran-Iraq border disputes*, Tehran: Bureau of Political and International Studies.
- Jong Ahmad Gholam, The Senournameh of Shah Abbas and Sultan Murad III, Library of the Islamic Council, No. 3455.
- Journal of the meeting of Lankaran commanders. In two treatises and two reports about the northern effort (2013). by the efforts of Hossein Ahmadi. Tehran: Institute of Iranian History Studies.
- Kavousi-Iraqi, M. H. (2000). *Safavid government relations documents*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Khojagi-Isfahani, M. M. (1989). *Summary of life*. (under the supervision of Iraj Afshar). Tehran: Scientific Publications.
- Lotfi, H., & Iqbali-Zarch, M. H. (2011). The Function of Borders and Globalization. *Geography Quarterly*. 2(2), 47-59. (in Persian)
- Mashaikh Fereydoni, A. (1990). *Border issues between Iran and Iraq and its effect on the relations between the two countries*. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Mir Haider. (1968). *Dara, principles and foundations of political geography*. Tehran: Simorgh. (in Persian)
- Moin, M. (2012). *Moein dictionary*. C2. Tehran: Si Gol Publishing. (in Persian)
- Mojtahedzadeh, P. (2009). *Persian Gulf: countries and borders*. Edited by Mozhgan Mahdavi, Tehran: Atai Publishing House.
- Morteza-Qolikhan Shamlu's Jong (1658). (compiled by Iraj Afshar and Ahmed Manzavi). Tehran: Library of the Islamic Encyclopedia Center (library section).
- Moshehir al-Doulah, M. S. F. (1968). *The message of frontier research*, by Mohammad Msheiri, Tehran: Farhang Iran Foundation Publications.
- Navaei, A. H. (1978). *Shah Abbas*, Vol. 3, Tehran: Farhang Iran Foundation. (in Persian)
- Rezaei, O. (2018). *An introduction to religious documents in the Qajar period*. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Royal Biotat, album number 158, Iran's agreements with foreign countries. Recovery number 295.8038. Record number 3809095.
- Salehi, N. (2007). Iranian and Ottoman confrontation over Baghdad: causes and results. *Quarterly Journal of Historical Studies and Research*, 15. (in Persian)
- Senournameh of the village of Kalqai and Khakvanag of Azerbaijan, National Library and Records Organization of Iran, retrieval number 998.55648.
- Skanderbeg Secretary (1935). History of the world of Arai Abbasi, 2, Tehran: Agha Seyed Morteza Publishing House.
- The manuscripts of Shah Safi and Sultan Murad IV, manuscript section of the National Library of Ankara, No. 5/4976NK34.*
- Vahid Qazvini, M. T. (1950). *Abbas name Corrected by Ibrahim Dehgan*. Arak: Dawoodi bookstore.